

راجا تودرمل\* شد و به زندان افتاد. هرچند، اندکی بعد به دستور شاه آزاد شد (بیت، ص ۳۴۹؛ علّامی، ۱۸۷۷-۱۸۸۶، ج ۳، ص ۱۹۳).

شاه منصور در ۹۸۴ به وزارت دیوان اعلیٰ در دربار اکبرشاه منصوب شد و به منصب پانصدی ارتقا یافت (همانجاها؛ قس بیت، ص ۳۴۹-۳۵۰، که آغاز وزارت وی را در ۹۸۳ دانسته است). ظاهراً قصد اکبرشاه از این انتصاب، گذشته از شایستگیهای خواجه منصور، کم کردن نفوذ رجال قدیم دربارش بوده است (علّامی، ۱۸۷۷-۱۸۸۶، ج ۳، ص ۱۹۳-۱۹۴). از حدود ۹۸۵، شاه منصور و تودرمل با هم به وزارت شاه مشغول بودند و مدتی نیز هردو زیر نظر مظفرخان تربتی، که سمت وکالت داشت، کار می کردند (بیت، ص ۲۲۹-۲۳۰، ۲۳۸؛ علّامی، ۱۸۷۷-۱۸۸۶، ج ۳، ص ۲۱۵-۲۱۶). با برکناری مظفرخان از این سمت در ۹۸۷، به نظر می رسد اختیار و اقتدار شاه منصور در دربار بیشتر شده باشد (علّامی، ۱۸۷۷-۱۸۸۶، ج ۳، ص ۲۶۵).

از اقدامات مهم در دوره وزارت شاه منصور، که در نهایت به تضعیف موقعیت وی در دربار منجر شد، اصلاح شیوه اخذ مالیات بود. از ۹۸۶، چنین مقرر شد که به جای برآورد سالانه مطالبات دیوانی صوبه‌ها، میانگین مقدار مالیات اخذ شده در ده سال گذشته را، مبنای اخذ مالیات در هر سال قرار دهند (همان، ج ۳، ص ۲۸۲؛ نیز د. اسلام، ذیل ماده). اکبرشاه اجرای این شیوه را به شاه منصور و تودرمل سپرد، اما پس از اعزام تودرمل به مأموریت‌های دیگر، عملاً همه کار برعهده شاه منصور قرار گرفت. این شیوه مانع از برخی سوءاستفاده‌های مالی مأموران دیوانی و اقطاع‌داران و در نتیجه، نارضایی آنها می شد. از طرفی، سخت‌گیریها و عملکرد غیرمنعطف شاه منصور در حسابرسی مطالبات دیوانی موجب نارضایی بیشتر برخی صوبه‌داران و حاکمان محلی و بروز شورشهایی در بهار و بنگاله شد (بیت، ص ۲۸۲-۲۸۳؛ علّامی، ۱۸۷۷-۱۸۸۶، ج ۳، ص ۲۸۲-۲۸۳). حین سرکوب شورشهای این دو صوبه به فرماندهی تودرمل، سخت‌گیریهای مالی شاه منصور ادامه یافت و حتی گاه دامن امرا و فرماندهان حاضر در نبرد را نیز گرفت. این رفتار سخت‌گیرانه وی موجب کندی عملیات سرکوب شورشها شد و گزارش عده‌ای از امرا به دربار، برکناری و حبس شاه منصور را در ۹۸۸ در پی داشت (بیت، ص ۲۸۷-۲۸۸؛ علّامی، ۱۸۷۷-۱۸۸۶، ج ۳، ص ۳۵۴-۳۵۵؛ بیت، ص ۳۱۶). باین حال، او در همان سال از زندان آزاد شد و مجدداً به وزارت رسید (نظام‌الدین احمد هروی، ج ۲، ص ۳۵۶) زیرا اکبرشاه دریافته بود که قصدش خدمت بوده است نه غرض ورزی (علّامی، ۱۸۷۷-۱۸۸۶، ج ۳، ص ۳۲۷).

مصطفی عالی‌افندی، مناقب هنروران، استانبول ۱۹۲۶؛ احمدبن حسین منشی قمی، گلستان هنر، چاپ احمد سیبلی خوانساری، تهران ۱۳۶۶؛

Sheila S. Blair, *Islamic calligraphy*, Edinburgh 2007; Martin Lings, *The Quranic art of calligraphy and illumination*, [London] 1976; Nabil F. Safwat, *The art of the pen: calligraphy of the 14th to 20th centuries*, in *The Nasser D. Khalili Collection of Islamic Art*, vol.5, ed. Julian Raby, London: The Nour Foundation, 1996; Marianna Shreve Simpson, *Sultan Ibrahim Mirza's Haft awrang: a princely manuscript from sixteenth century Iran*, New Haven 1997; Priscilla P. Soucek, "Calligraphy in the Safavid period 1501-1576", in *Hunt for paradise: court arts of Safavid Iran, 1501-1576*, ed. Jon Thompson and Sheila R. Canby, New York: Asia Society Museum, 2004; Stuart Cary Welch, *Persian painting: five royal Safavid manuscripts of the sixteenth century*, New York 1976.

اولی‌الله کاوسی /

### شاهمدار و بدیع‌الدین قطب‌المدار

شاه منصور شیرازی، از وزیران دیوان اعلیٰ در دوره بایریان در هند، در اواخر سده دهم. از آغاز زندگی وی اطلاعی در دست نیست. نخستین شغلش در دربار اکبرشاه\* (حک: ۹۳۶-۱۰۱۴) ریاست خوشبوخانه بود. لیاقت و کاردانی وی در این منصب توجه شاه را جلب کرد و زمینه ارتقای جایگاه وی را فراهم آورد. مظفرخان تربتی، وزیر ایرانی دیوان اعلیٰ، که ارتقای شاه منصور را خوش نمی داشت، زمینه طرد وی را از دربار فراهم کرد (بیت، ص ۲۲۷؛ بیت، ص ۲، ج ۲، ص ۱۶۶؛ علّامی، ۱۸۷۷-۱۸۸۶، ج ۳، ص ۱۹۳). پس از آن، شاه منصور مدتی عهده‌دار منصب «دیوان» در دربار علیقلی خانزمان، حاکم تورانی شهر جونپور، شد (مصمص‌الدوله شاهنوازخان، ج ۱، ص ۶۵۳).

پس از مرگ خانزمان در ۹۷۳، خواجه منصور به منصب بخشی‌گری صوبه‌های (استانهای) بهار و بنگاله رسید و به خدمت حاکم آنجا، منعم‌خان\*، درآمد. در دوره تصدی این منصب، چندین بار به نمایندگی از منعم‌خان به دربار اکبرشاه رفت و سخنانی و منش سنجیده وی باز هم توجه شاه را به وی معطوف کرد (بیت، ص ۳۲۶-۳۳۰، ۳۴۱؛ بیت، ص ۳۴۱؛ علّامی، ۱۸۷۷-۱۸۸۶، ج ۳، ص ۱۹۴). پس از مرگ منعم‌خان در ۹۸۳، شاه منصور گرفتار دسیسه‌چینی مخالفان خویش به‌ویژه